



نیل رابینسون^۲ (دانشگاه ولز)

ابوالفضل خُری

عضو هیأت علمی دانشگاه اراک

۴۸ سوره‌ای که نولدکه بر حسب ساختار به اولین دوره سوره‌های مکی متعلق می‌داند، گروهی بالنسبه همگن و متجانس را تشکیل می‌دهند. این نکته البته درست به نظر می‌رسد بدون آنکه بخواهیم این سوره‌ها را جزو اولین سور مکی لحاظ کنیم یا نکنیم. عمده این سوره‌ها از یک یا چند بخش مجزا تشکیل شده‌اند که هر بخش به یکی از شش موضوع زیر اشاره می‌کند: جدال احسن، معاد شناسی، نشانه‌های قدرت و رحمانیت خدا، نقل سرگذشت فرستادگان پیشین، شأن نزول آیات و ارتباط محرمانه خدا با فرستادگان؛ اما این امر درباره ۴۲ سوره‌ای که نولدکه آنها را متعلق به دوره دوم و سوم مکی می‌داند، مصداق ندارد. ساختار این سوره‌ها اغلب رها و پای در گریز است؛ زیرا گرچه همان شش مضمون اصلی در همه آنها به چشم می‌خورد، جدا کردن آنها از یکدیگر بسیار سخت است. در هر حال سیزده سوره از این ۴۸ سوره - هشت سوره مربوط به دوره دوم مکی و سه سوره مربوط به دوره سوم مکی - ساختار سه بخشی دارند؛ هر یک از این سیزده سوره یک بخش روایی طولانی دارند که در میان



بخش‌های آغازین و پایانی سوره- با مضامین گوناگون- جای گرفته‌اند. نوبورت در مطالعات پیشگامانه خویش درباره ترکیب‌بندی سوره‌های مکی، به استدلال می‌آورد که اغلب دیگر سوره‌های "مکی میانی" و "متأخر" نیز ساختار سه بخشی دارند. من نیز در جایی دیگر به این بحث پرداخته‌ام که این ساختار سه بخشی، ساده کردن بیش از حد سوره است. در جستار حاضر، قصد دارم با بررسی ساختار بیست و سومین سوره قرآن که مکی میانی است و عموماً آن را به المؤمنون می‌شناسند، یک گام مباحث نولدکه و نوبورت را به پیش ببرم.

نوبورت سوره‌هایی که مشخصاً سه بخش دارند و بخش سوم، بن‌مایه‌های بخش اول را بازتاب می‌دهد، ترکیب‌بندی موسیقایی می‌نامد. نوبورت خاطر نشان می‌کند این امر در خصوص سوره مؤمنون مصداق ندارد. با این حال، او فهرست فضایل آغازین سوره را که در آیات ۱۱-۱ آمده با آنچه او آن را آیات سرودگونه (آیات ۸۰-۷۸) می‌خواند، مرتبط می‌داند. نوبورت در می‌یابد که این گروه آیات در اصل گزاره‌هایی دارند که به ترتیب با الذین و الذی شروع می‌شوند؛ اولین گروه آیات از فضایل مؤمنان ذکر به میان می‌آورند و دومین گروه آیات، از ستایش خالق. بر همین اساس، نوبورت آیات ۸۰-۷۸ را سرآغاز بخش سوم می‌داند. ساختاری که او برای کل سوره مؤمنون ارائه می‌دهد، بدین قرار است:



۱. مقدمه

۱-۱۱ فهرست فضایل مؤمنان

II A. آیات

۱۲-۱۶ آفرینش انسان به منزله نشانه‌ای بر توانایی احیاء کردن دوباره
۱۷-۲۲ دیگر آیات: فلک، آب، نباتات، طور سینا، چهار پایان، کشتی (فُلک)

II B. داستان‌های پیامبران

۲۳-۳۰ نوح و نجات یافتگان در کشتی
۳۱-۱۱ فرستادگان بی‌نام {پیامبران پس از نوح}
۴۲-۴۴ ظهور فرستادگان هر چند وقت یکبار و در فاصله زمانی معین
۴۵-۴۹ موسی و هارون
۵۰- ابن مریم {عیسی}
۵۱-۵۳ خطاب به فرستادگان؛ نفاق در میان جوامع

II C. موعظه، مجادله

۵۴-۵۶ ترغیب پیامبر، پرسش مجادله‌ای درباره میل به انجام خوبی‌ها
۵۷-۶۱ فهرست محسنات: مالک محسنات مورد بحث، کسانی‌اند که حقیقتاً
خواستار خوبی‌هایند.
۶۲-۶۳ ضبط کردار در کتاب
۶۴-۶۷ آشکار سازی تدریجی روز قیامت: مجازات
۷۱- بازگشت به مباحث مجادله‌ای، که به انتساب تهمت‌های ناروا به پیامبر منجر
می‌شود
۷۲-۷۷ وظیفه پیامبر، ترغیب، اعلام مجازات کافران



III. آیات سرودگونه، هشدار در خصوص قیامت و روز داوری، اعتراف به توحید الهی

۷۸-۸۰ خصوصیات پرستش خداوند، آیات ناظر به خلقت انسان

۸۱-۳۳ کافران اجداد خود را دلیلی برای نفی روز جزا معرفی می‌کنند

۸۴-۸۹ سؤال در خصوص اینکه صاحب قدرت و اقتدار کیست؟ پاسخ: خداوند

۹۰-۹۲ یگانگی پروردگار

۹۳-۹۸ ادعیه توصیه شده، ترغیب، دستورالعمل‌های توصیه شده

۹۹-۱۰۴ ساعت مرگ کفار، استغفار، یوم، میزان

۱۰۵-۱۰۸ انکار استغفار

۱۰۹-۱۱۱ بازگشت به گذشته: مسخره شدن مؤمنان از جانب منکرانی که اکنون با قیامت مواجه شده‌اند.

۱۱۲-۱۱۵ سؤالاتی راجع به مدت زمان میان مرگ و احیای مردگان: خَلَقَ بِالْحَقِّ

۱۱۶-۱۱۸ پرستش خداوند در مقام معبود یکتا، هشدار به بت پرستان، عبادت توصیه شده.

بررسی و تحلیل نیورت نقطه ضعف‌هایی دارد:

۱. تعداد آیاتی که او آنها را به عنوان بخش اول و سوم معرفی کرده، نابرابر (نامتوازن)

است، به گونه‌ای که بخش اول یازده آیه و بخش سوم ۴۲ آیه دارد.



۲. می‌توان استدلال کرد آیه ۵۴ که آغازگر قسمت سوم از بخش دوم (II C) تقسیم بندی نیورت است^۳، در واقع نقطه عطفی مهمتر از آیه ۷۸ است که او آن را آغازگر بخش سوم در نظر گرفته است^۴. در آیه ۵۴ گوینده مستتر (خداوند)، ابتدا مخاطب محرم خویش (محمد صلی الله علیه و آله) را با فاعل دوم شخص مفرد مخاطب قرار می‌دهد و به او می‌گوید: "پس آنها را در ورطه گمراهی‌شان تا چندی واگذار" و بخش‌های منقطع بعدی جای خود را به گفتاری می‌دهند که ساختاری روشن ندارد.

۳. همانندی کلامی ساختاری "فهرست فضایل" مؤمنان در آیات ۱۱-۱ نه به آیات ۷۸-۸۰ بلکه به آیات ۶۳-۵۴ شباهت دارد که دومین فهرست خصایل مؤمنان، هسته مرکزی آن است.

۴. با توجه به عبارات "چه اندک سپاسگزارید" و "مگر نمی‌اندیشید؟"، آیات ۷۸-۸۰ در رده نشانه‌های سوم شخص متضاد^۵ قرار می‌گیرند نه در رده آیات سرود گونه.

۵. اگر نشانه‌های متضاد را سرآغاز بخش سوم در نظر بگیریم، انتظار این است که این نشانه‌ها با وقفه همراه باشند؛ اما این گونه نیست. فخرالدین رازی می‌پرسد «ارتباط بین عبارت "او همان کسی است که به شما قدرت شنوایی و بینایی و قلب اعطا کرد" و مطالب پیش از این آیه چیست؟» سپس او پاسخی قانع کننده به پرسش خویش می‌دهد:



گویی پروردگار، که سپاس و ستایش از آن اوست، در ابتدا بی‌منطقی آن دسته از کافران را که با شنیدن نشانه‌ها، دیدن عبرت‌ها و اندیشیدن به حقایق، روی برگردانده‌اند، بیان می‌کند. سپس به مؤمنان می‌فرماید: "او همان کسی است که به شما نعماتی اعطا فرمود و شما را با آنها آشنا کرد"، و به آنها هشدار می‌دهد فردی که از این نعمات در جهت رسیدن به هدفی که برای آن آفریده شده، استفاده نکند، همانند کسی است که از داشتن آنها محروم است. همان گونه که خداوند بلند مرتبه در سوره ۶۶، آیه ۲۶ می‌فرماید: "چون به نشانه‌های خداوند انکار ورزیدند، گوششان، دیدگان‌شان و دل‌هایشان هیچ به کارشان نیامد"، اعلام می‌دارد که ناکامی کفار و هشیاری مؤمنان تنها از جانب خداوند است.

در پی تأیید سخنان رازی به یاد آورید اشاره به دعوت کافران در آیه ۷۳، سریپچی کورکورانه آنان (آیه ۷۵) و شکست آنها در فروتن جلوه دادن خویش (آیه ۷۶) که به ترتیب با "شنوایی"، "بینایی" و "دل‌های" آنان مطابقت دارد.

۶. گرچه تقسیم‌بندی نویورت از سوره به زیر بخش‌های فرعی ملاک است، در اغلب موارد، در خصوص معیارهای صوری صوت، این خطر احساس می‌شود که سوره همچون کولاژی از آیات بی‌ربط تلقی شود. مگر اینکه به سایر عوامل انسجام بخش سوره نیز توجه شود.



از این رو، دلایل مکفی در دست است که ساختار سوره مؤمنون را بازنگری کنیم.

خطوط کلی ساختار جدید سوره مؤمنون

سوره مؤمنون ۱۱۸ آیه با طول آیات متفاوت و اوزان "اون"، "این" یا "ایم" دارد. این سوره با بسم الله الرحمن الرحیم آغاز می‌شود که جزو آیات به شمار نمی‌آید و آن را با صفر نشان می‌دهیم. در نتیجه، ساختار پیشنهادی سوره در کل به شرح زیر است:

سرآغاز سوره آیات ۱-۰

تابلو آغازین آیات ۱۱-۱

بخش اول: از آفرینش اولیه تا ادیان و حیانی کنونی آیات ۵۳-۱۲

محور مرکزی آیات ۶۳-۵۴

بخش دوم: مجادلات کنونی و قیامت قریب الوقوع آیات ۱۰۸-۶۴

تابلوی پایانی آیات ۱۱۸-۱۰۹

ختم سوره آیات ۱۱۸-۱۱۷

این ساختار تقریباً متقارن است. سوره از دو بخش اصلی تشکیل شده است. بخش اول (۴۲ آیه) و بخش دوم (۴۵ آیه). با این حال، با اینکه بخش اول داستان‌های بسیاری را در خود جای داده که نظم گاهشمارانه دارند و بخش دوم پراکنده‌تر است. هر دو بخش در احاطه تابلوی آغازین (۱۱ آیه) و تابلوی پایانی (۱۰ آیه) قرار گرفته‌اند و محور مرکزی



(۱۰ آیه) آن دو را به هم پیوند زده است. در حالی که تابلو آغازین و محور مرکزی بر ساختار مراعات نظیر / ردالعجز الی صدر^۶ پیچیده مبتنی‌اند، تابلوی پایانی تهی از ساختار است و صرفاً با بخش نتیجه‌گیری^۷ متمایز می‌شود. اگر قرآن را متنی شفاهی - سمعی در نظر بگیریم، تمایز طول بخش اول و دوم سوره از آنچه در نسخ مکتوب قرآن آمده، نامحسوس‌تر خواهد بود. این امر از آن روست - با توجه به قوافی "تاکلون" (آیه ۳۳) و "هارون" (آیه ۴۴) - که بخش اول در مجموع ۴۴ قافیه دارد. وانگهی، اگر قافیه درونی آیه ۱۰۹ (يقولون) را لحاظ کنیم، تابلوی آغازین و پایانی، طول یکسان دارند.

اینکه قرآن را متنی شفاهی - سمعی در نظر بگیریم، به تبیین ابهام ساختاری آیه بسم الله الرحمن الرحيم نیز کمک خواهد کرد. از آنجا که بسم الله به معنای دقیق کلمه، جزو سوره نیست، جزو لاینفک تابلوی آغازین نیز به شمار نمی‌رود. در هر حال، از آنجا که این عبارت در آغاز تلاوت سوره‌ها به گوش می‌رسد و از آنجا که با سوره هم قافیه است، جزو بخش آغازین سوره قلمداد می‌گردد. همانگونه که به زودی خواهیم دید، بخش آغازین در بخش پایانی - یک آیه و نیم تابلوی پایانی - بازتاب می‌یابد.

حضور ردالعجز الی الصدر و نتیجه‌گیری

بسم الله الرحمن الرحيم که بدون شماره است، دو اسم الهی الرحمن و الرحيم (بخشنده و مهربان) [را در بر] دارد که از ریشه فعل «رحم» گرفته شده‌اند. آیه پایانی سوره یعنی آیه ۱۱۸، نیز دو واژه الرحمن و الرحيم دارد که از همین ریشه گرفته شده‌اند.



علاوه براین، با در نظر گرفتن اینکه بسم الله الرحمن الرحيم دستوری است که مبین وحيانی بودن عبارت پس از خود از جانب خداوند است، آیه ۱۱۸ نیز دعایی وحيانی از جانب خداوند است که در آن به فرستادگان توجه به سوی پروردگار توصیه می‌شود. بنابراین آیه ۱۱۸ هم بازگوکننده بسم الله الرحمن الرحيم است و هم با آن شباهت دارد. ارتباط مشابهی نیز میان آیه ۱ و آیه ۱۱۷ به چشم می‌خورد. در هر دوی این آیات فعل "افلح" به معنای رستگار شدن به کار رفته است. در حالی که در آیه ۱۱۷d، این فعل از پی نفی و انکار بیان شده است. با وجود این، در حالی که قافیه عبارت و فاعل دستوری فعل در آیه ۱، المؤمنون (مؤمنان) است، قافیه عبارت و فاعل دستوری فعل در آیه ۱۱۷ الكافرون (کافران) است که با آیه اول تضاد معنایی دارد. این مشاهدات به صورت زیر دسته بندی می‌شود:

- A. آیه ۰ به نام خداوند بخشنده مهربان (الرحمن الرحيم)
- B. آیه ۱ مؤمنان رستگار شدند (افلح المؤمنون)
- B. آیه ۱۱۷d کافران رستگار نمی‌شوند (لا يفلح الكافرون)
- A. آیه ۱۱۸ و بگو: "پروردگارا ببخشای (وَ ارحم)،... و توبه‌ترین بخشندگانی (الرحمين)

بنابراین ارتباط میان سرآغاز و ختم سوره نوعی تقارن خطی و یا رد العجز الی الصدر ایجاد کرده که در آن A با A و B با B مطابقت دارد.



به دلایلی که پیشتر به آنها اشاره شد، آیه ۵۴ نقطه عطف سوره است. در این آیه، عبارت "غمزه" آمده که در ترجمه به معنای گمراه، سردرگم و یا خطا است. در هر حال، براساس آنچه زمخشری گفته معنای ادبی این واژه "آبی است که سرپای انسان را فرا می‌گیرد"؛ به همین دلیل در اینجا بصورت استعاری به کافرانی که در جهل و حماقت خویش غوطه‌ورند، و یا به علت بیهودگی همچون مردمانی‌اند که در سیلاب غوطه می‌خورند، اشاره دارد. به همین دلیل من این واژه را "ورطه گمراهی" تعبیر می‌کنم. این واژه که تنها سه بار در قرآن آمده، در آیه ۶۳ نیز دوباره تکرار می‌شود. دو آیه ۵۴ و ۶۳، آیات آغازین و پایانی، مجموعه ده آیه‌ای از محور مرکزی سوره را شکل می‌دهند. این محور مرکزی دارای پنج بخش رد العجز الی الصدر است:

A. (۵۴) پس آنان را در ورطه گمراهیشان تا چندی واگذار.

B. (۵۵) آیا می‌پندارند که آنچه از مال و پسران که به ایشان مدد می‌دهیم.

C. (۵۶) از آن روی است که می‌خواهیم به سودشان در خیرات شتاب ورزیم؟ نه،

آنان نمی‌فهمند.

D. (۵۷) در حقیقت کسانی که از بیم پروردگارشان هراسانند.

E. (۵۸) و کسانی که به نشانه‌های پروردگارشان ایمان می‌آورند.

A'. (۵۹) و آنان که به پروردگارشان شرک نمی‌آورند.



B'. (۶۰) و کسانی که آنچه را دارند در راه خدا می دهند، در حالی که دل‌هایشان هراسان است. و می‌دانند به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت.

C'. (۶۱) آنان که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند و آنان که در انجام آنها سبقت می‌جویند.

D'. (۶۲) و هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت.

E' (۶۳) بلکه دل‌های آنان از این حقیقت در غفلت است و آنان غیر از این گناهان، کردارهای دیگری دارند که به انجام آن مبادرت می‌ورزند.

A بواسطه واژه غمرا با A' تناظر پیدا می‌کند. عبارات B و B' هر دو از استعارات فضایی - مکانی مشابه استفاده کرده‌اند: نُمِدُّهُمْ و وَسَعَهَا. عبارات C و C' در کل دو جزو واژگانی دارند: نُسَارِعَ / یَسْرِعُونَ (شتاب ورزیدن)؛ الخیرات (کارهای نیک / خیرات). عبارات D و D' هر دو با استفاده از واژگان متفاوت به ترس مؤمنان اشاره کرده‌اند و نهایتاً E و E' ، که در بخش مرکزی سوره واقع شده‌اند، دو هدف اصلی سوره را بیان می‌کنند: یعنی ایمان و پیامدهای آن و اجتناب از شرک. در آغاز سوره در آیه ۱ نیز ایمان مورد ستایش واقع شده است:

(۱) به راستی که مؤمنان رستگار شدند

(۵۸) و کسانی که به نشانه‌های پروردگارشان ایمان می‌آورند



در آیه ۱۱۷، در آخرین آیه پیش از نتیجه عبادی شرک به خدا مورد سرزنش قرار گرفته شده است.

(۵۹) و آنان که به پروردگارشان شرک نمی ورزند
(۱۱۷) و هر کس با خدا معبودی دیگر بخواند، برای آن برهانی نخواهد داشت و حسابش فقط با پروردگارش است، در حقیقت کافران رستگار نمی شوند.
تابلوی ابتدایی در آغاز سوره، به نظر با محور مرکزی سوره ساختار مشابه دارد، گرچه شباهت میان اجزای آن وضوح کمتری دارد:

A. (۱) به راستی که مؤمنان رستگار شدند.

B. (۲) همانان که در نمازشان فروتن اند

C. (۳) و آنان که بیهوده رویگردانند

D. (۴) و آنان که زکات می پردازند

A'. (۷-۵) و کسانی که پاکدامند. مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند. که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هر که فراتر از این جویند آنان از حد درگذرندگانند.

B'. (۸) و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می کنند (احترام می گذارند)

C'. (۹) و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند.

D'. (۱۱-۱۰) آنان که خود وارثانند، همانان که بهشت را به ارث می برند و در آنجا جاودان می مانند.

A به رستگاری مؤمنان اشاره دارد در حالی که A' آنچه را شرح می دهد که

رستگاری با خود به همراه می آورد. B و B' هر دو به عبادت اشاره می کنند. C و C'



متضاد یکدیگرند. D به زکات یا صدقه دادن اشاره دارد که باعث تطهیر زکات دهنده می شود، در حالی که D' به پاکدامنی در روابط جنسی اشاره می کند.

به نظر می آید تابلوی پایانی هیچ رد العجز الی الصبری را نشان نمی دهد. به طوری که می توان گفت این بخش نیز به سان بخش دوم، بدون مراعات نظیر است و فقط تکرار همان عبارات در آیه ۱۰۹ و ۱۱۸ آن را متمایز کرده است. بنابراین این دو آیه به یک نتیجه می انجامند:

(۱۰۹) دسته ای از بندگان من بودند که می گفتند، "پروردگارا ایمان می آوریم، بر ما ببخشای و بر ما رحم کن که تو بهترین مهربانانی.

(۱۱۸) و بگو: " پروردگارا، ببخشای و رحم کن که تو بهترین بخشاینده گانی "

انسجام آیات ۵۳-۱

این سوره با یک وند یعنی "قد" آغاز می شود، که از پی آن فعل افلح و سپس فاعل، المؤمنون، می آید. اگرچه فعل در این آیه حالت کامل دارد؛ اما ساختار جمله حاکی از آن است که در واقع مؤمنان درآینده رستگار خواهند بود، علاوه بر اینکه آنان تاکنون رستگار بوده اند. با وجود این، عبارت "و لقد"، در آیات ۱۲، ۱۷، ۲۳، ۴۹، از رهگذر ارجاع به اعمال سرنوشت ساز پروردگار در گذشته و با ایجاد رابطه میان مجموعه ای از اعمال و اراده خداوند برای رفاه مؤمنان، بخش اول را به تابلوی آغازین سوره مرتبط می کند.



عبارت "ولقد"، معرف آفرینش انسان، آفرینش هفت آسمان، ابلاغ پیامبری به نوح و اعطای کتاب مقدس به موسی از جانب پروردگار است. از این رو، ضروری است در تمایز دقیق و سریع میان نشانه‌ها در آیات ۲۲-۱۲ و داستان پیامبران در آیات ۵۳-۲۳ اندکی محتاطانه‌تر عمل کنیم. این احتیاط به دو دلیل است. اولین و مهمترین دلیل این است که فعل انشأنا (پدید آوردیم) در ارتباط با هر دوی این بخش‌ها، رخ می‌دهد. در آیه ۱۴، خداوند راجع به آفرینش انسان چنین می‌فرماید: "آنگاه آفرینش دیگری پدید آوردیم" ﴿ثم انشأناه خلقاً اخر﴾. این عبارت بار دیگر در آیه نوزده تکرار می‌شود. آنجاکه می‌فرماید: "پس برای شما باغ‌هایی پدیدار کردیم (فأنشأنا)" و در آیات ۳۱ و ۴۱ خداوند می‌فرماید: "پس بعد از آنها نسل‌هایی دیگر پدید آوردیم" (ثم انشأنا من بعدهم قرناً اخرین). دومین دلیل این است که گرچه خواننده آشنا با قرآن خود به خود، آیات ۲۲-۱۲ را به منزله آیات نشانه‌ای سوره تشخیص می‌دهد، واژه آیه یا نشانه، در اینجا مصداق پیدا نمی‌کند. با این حال، واژه آیه یا نشانه، سه بار در آیات ۵۳-۲۳، تکرار شده است، دوبار به صورت جمع و یک بار به صورت مفرد:

"در حقیقت در این ماجرا عبرت‌هایی است... (آیه ۳۰).

"پس موسی و برادرش هارون را با آیات خود فرستادیم... (آیات ۴۵).

"و پسر مریم و مادرش را نشانه‌ای قرار دادیم... (آیه ۵۰).

برای فهم اینکه چرا تابلوی ابتدایی سوره از آیات ۱۱-۱ با آیاتی از آفرینش انسان (آیات ۱۶-۱۲) همراه شده، لازم است با کاربرد قرآن آشنا باشیم. واژه فردوس (بهشت)



که در آیه ۱۱ آمده، تنها در آیه ۱۰۷ از سوره نحل بیان شده است و به جایی اشاره دارد که در آخرت منزل مؤمنان نیکوکار خواهد بود. منزلی که قرآن عموماً از آن به الجنه (باغ بهشت) تعبیر می‌کند. حال آنکه، آیات ۱۶-۱۱ به زندگی اولین انسان در بهشت تا زمانی که خداوند او را از آنجا بیرون کرد، اشاره نمی‌کند. این داستان صراحتاً در دیگر سوره‌ها نیز بیان می‌شود. در نتیجه، اشاره همزمان به بهشت و شرح آفرینش انسان کاملاً طبیعی است. وانگهی، بسیاری از واژگان به کار رفته در شرح این آفرینش خاص پروردگار، در جایی دیگر نیز به کار می‌روند، آن هنگام که قیامت مورد سؤال قرار می‌گیرد. برای مثال، نطفه، علقه (لخته)، مضغه (لکه کبود)، عظام (استخوان‌ها) و کسا (پوشانیدن). بنابراین جای تعجب باقی نمی‌ماند که شرح آفرینش انسان به ارجاع به مرگ و روز رستاخیز ختم می‌شود. در نتیجه، تلویحاً توجه ما را به بهشت به منزله ارثیه مؤمنان معطوف می‌سازد.

از منظر قرآن، فرستادگان که در بخش بعدی سوره به آنان اشاره می‌شود، نمونه واقعی مؤمنان اند. بر این اساس، می‌توان به این نکته پی برد که آنان ویژگی‌های گفته شده در تابلوی ابتدایی سوره را دارند. در حقیقت برای کسانی که با دیگر روایات قرآنی درباره سرگذشت پیامبران آشنایی دارند، ارتباط این داستان‌ها با تابلوی ابتدایی سوره اظهر من الشمس است. نوح که سرگذشت او در ابتدا در آیات ۳۰-۲۳ روایت می‌شود، از خداوند درخواست بخشش مؤمنان را می‌کند. خداوند فرستاده خود را به سوی قوم ثمود روانه می‌کند، این فرستاده همان فرد گمنامی است که بعدها در آیات ۴۳-۳۱ به او



اشاره می‌شود و در سوره شمس با این عبارات شناخته می‌شود: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ (شمس: ۹) که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد. سوره مومنون پس از اشاره موجز به ارسال گروهی از پیامبران در آیه ۴۰ شرحی کوتاه از مأموریت موسی و هارون را در آیات ۴۵-۴۹ بیان می‌دارد. در روایتی طولانی‌تر از داستان موسی و هارون که در سوره طه نقل شده است، فرعون، ساحران را به مبارزه با آنان فرا می‌خواند و آشکارا اعلام می‌دارد که هر آنکس که در این مبارزه پیروز گردد، خوشبخت می‌شود ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ اسْتَعْلَى﴾. با وجود این، ساحران شکست خورده و در مقابل موسی و هارون به سجده می‌افتند و به خدای آنان ایمان می‌آورند. در نهایت، آیه ۵۰ سوره مومنون با تلمیحی کوتاه؛ اما جذاب به داستان عیسی و مریم اشاره می‌کند. از دیگر سوره‌ها در می‌یابیم که مریم الگوی عفت و پاکدامنی است و مسیح در حالی که کودکی بیش نیست از عبادت و زکات سخن به میان می‌آورد.

اپیزودهای روایی سوره نیز با شرح آفرینش انسان در آیات ۱۵-۱۲ و نیز محافظت خدا از مخلوقاتش در آیات ۲۲-۱۶ در ارتباط است. در داستان نوح، بالا آمدن آب دریا به امر خداوند و غرق شدن خطاکاران، با اشارات بعدی به فرستادن آب از آسمان به مقدار معین در تضاد است. در بخش مربوط به داستان نوح، تکذیب روز قیامت از جانب بزرگان، به رغم نعمت‌های وافری که خداوند به آنان اعطا کرده، یادآور اشاره به روز قیامت، آشامیدنی‌ها، خوردنی‌ها و حیوانات اهلی از جانب خداوند است. اشاره کوتاه به ارسال موسی با نشانه‌ها و قدرت از جانب پروردگار، شرح جزئی‌تری ارائه می‌دهد از



اینکه چگونه خداوند او را از کوه طور مورد خطاب قرار می‌دهد و چگونه واژه طور با واژه طور سینا هم طنین می‌شود. فرمان خداوند به مریم و عیسی برای پناه بردن به سرزمینی مرتفع که زیستگاهی امن و آب زلال دارد ﴿قَرَارٍ وَ مَعِينٍ﴾، بخشی کامل‌تر از داستان مریم و عیسی را بازگو می‌کند: اینکه چگونه پروردگار برای مریم خرمای رسیده و جوی آب فراهم می‌کند و به او فرمان می‌دهد چگونه از آنها بخورد و بیاشامد و دیده روشن دارد ﴿قَرَى عَيْنَا﴾. همچنین، این داستان به شباهت میان خلق معجزه آسای مسیح و آفرینش اولین انسان اشاره دارد، آنجا که خداوند می‌فرماید: "سپس او (انسان) را همچون نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم" (آیه ۵۰ را با آیه ۱۳ مقایسه کنید). همانگونه که از تکرار کل جملات و واژگان کلیدی پیداست، اپیزودهای روایی گوناگون با یکدیگر نیز در ارتباطند:

- "خدا را بپرستید، شما را جز او خدایی نیست. مگر پروا ندارید (تَتَّقُونَ)؟" (آیه ۳۲=۲۳b) با "من پروردگار شمایم، پس از من پروا دارید (فَاتَّقُونِ)" (آیه ۵۲)، مقایسه شدنی است.

- "و اشراف و قومش که کافر بودند گفتند... (آیه ۲۴a) با اندکی تفاوت در ساختار واژگان شبیه آیه ۳۳a است) با آیه ۴۶، "سران قوم او" مقایسه‌شدنی است.

- "این مرد بشری همانند شماست... (آیه ۲۴b=۳۳b) با "آیا به دو بشر که مثل خود ما هستند، ایمان بیاوریم" (آیه ۴۷) مقایسه شدنی است.

- نوح گفت: "پروردگارا، از آن روی دروغ زخم خوانند، مرا یاری کن. (آیه ۲۶=۳۹).



- با مردمان قومش... (آیه ۲۸ = آیه ۴۱)

- سپس بعد از آنان نسل هایی دیگر پدید آوردیم (آیه ۳۱ = آیه ۴۲)

- "دروغزنم خوانند" کذباً (آیات ۲۶، ۳۳، ۳۹، ۴۴، ۴۸)؛ دروغ کذب (آیه ۳۸)

- "کسانی که ظلم کرده‌اند" ظلموا (آیه ۲۷)؛ " گروه ظالمان " ظالمین (آیات ۲۸، ۴۱)

- " مؤمنان " (آیه ۳۸)؛ " ایمان آوردن " یؤمنون (آیه ۴۴)، " ایمان بیاوریم؟ " انؤمنُ

(آیه ۴۷)

- " پیشی گرفته است " سَبَقَ (آیه ۲۷): " پیشی می گیرد " تَسْبِقُ (آیه ۴۳)

- " پروردگارا " ربّ (آیات ۲۶، ۲۹، ۳۹، ۵۲)

- "آیه / نشانه" (آیات ۳۰، ۴۵، ۵۰)

در آیات ۵۱ و ۵۹ خداوند، فرستادگان خویش را مخاطب قرار می‌دهد، گویی همه

آنها به یکباره و در یک زمان حاضر بوده‌اند. برخی مفسران با علم به اینکه هر یک از

فرستادگان در دوره‌های زمانی متفاوت ارسال شده‌اند، استدلال می‌آورند که در این

آیات تنها یکی از پیامبران (مسیح یا محمد) مورد خطاب بوده و کاربرد جمع در اینجا،

صرفاً شگرد سبک شناختی قرآن است. این فرضیه البته دور از ذهن است. چون در آیه

۵۴ که تنها حضرت محمد مخاطب است، قرآن از وجه امری مفرد استفاده کرده است.

اگرچه ظاهراً در این آیات گروهی از فرستادگان مخاطب‌اند، در واقع، این عبارت خطاب

به هم عصران محمد صلی الله علیه و آله است تا آنها را متقاعد کند که فرستادگان

مختلف جملگی اساساً یک پیام را تبلیغ می‌کنند. در این صورت، این آیات چندان مساله



ساز نیستند. آیه ۵۸ این نکته را پر رنگ می‌کند که کسانی که مخاطبان، فرستادگان پروردگار نیستند بلکه کسانی‌اند که پس از آنها آمده و جامعه را به گروه‌های توبه پذیر مختلف تقسیم کرده‌اند.

اکنون که شبکه بینارابطه‌ای میان زیر مجموعه‌های مختلف آیات ۵۳-۱ را از نزدیک بررسی کردیم، برآنیم که چپش و آرایش متوالی مطالب و موضوعات را بررسی کنیم. این سوره با تابلویی آغازین آغاز می‌شود که در آن به هفت ویژگی کسانی که در آخرت بهشت را به ارث می‌برند، اشاره می‌شود (آیات ۱۱-۱). سپس، هفت مرحله‌ای که خداوند اولین انسان را خلق و بعد او را از بهشت اخراج می‌کند، ذکر می‌شود (آیات ۱۴-۱۲). از آنجا که هر بنی بشری بر همین منوال خلق می‌شود، گوینده خطاب به آنان اعلام می‌دارد که انسانها جملگی روزی هم خواهند مرد و سپس دوباره در روز قیامت برانگیخته می‌شوند (آیات ۱۶-۱۵). شرح آفرینش انسان از پی شرح آفرینش نعمات خداوند برای بندگانش قرار می‌گیرد (آیات ۲۲-۱۷). گوینده توجه مخاطب را به هفت موضوع جلب می‌کند که با آفرینش هفت راه آسمانی آغاز می‌شود. آخرین دو راه، حیوانات و کشتی‌هایی است که وسیله حمل و نقل در زمین و دریایند. با ذکر نام کشتی (فُلک) چرخه هفت راه آسمانی به نقطه آغازین خود بر می‌گردد چرا که واژه فُلک با واژه آسمان (فَلک) که جرمی سماوی است، در ارتباط قرار می‌گیرد. وانگهی، اشاره به نام کشتی‌ها در آیه ۲۲، داستان نوح را به ذهن متبادر می‌کند (آیات ۳۰-۲۳). در آیه ۲۷ به



نام کشتی اشاره می‌شود. در شرح آفرینش نعمات خداوند برای بندگان، بر فرستادن مقدار معین آب از آسمان از جانب خداوند بسیار تأکید می‌شود. در داستان نوح نیز، به امر خداوند بر فوران آب بسیار و غرق شدن کافران، بسیار تأکید می‌شود. سایر اپیزودها به ترتیب گاهشمارانه ذکر می‌شوند: اپیزود فرستاده ناشناس (آیات ۴۱-۳۱)؛ اپیزود گروهی از فرستادگان (آیات ۴۴-۴۲)؛ اپیزود موسی و هارون (آیات ۴۹-۴۵) و اپیزود عیسی و مریم (آیه ۵۰). بر این اساس، در این سوره، پنج داستان روایت می‌شود. با وجود این، اگر داستان موسی و هارون را جدا به حساب آوریم و مجموعه داستان‌های فرستادگان بی‌نام را یکی در نظر بگیریم، کل داستان‌ها به شش داستان می‌رسد و اگر داستان محمد صلی الله علیه و آله را نیز به آن اضافه کنیم در مجموع با هفت داستان رویاروییم.

نقش محور مرکزی سوره

محور مرکزی سوره یعنی آیات ۶۳-۵۴، گذار بخش اول به دوم محسوب می‌شود. این آیات، طنین آیات پیشین را دارند و مضامین آیات بعدی را بازتاب می‌دهند. در آیه ۵۴، خداوند به فرستاده خویش دستور می‌دهد کافران را "در ورطه گمراهیشان تا چندی" واگذارد. همان گونه که در آیات بعدی می‌بینیم این آیه کنایه‌ای پررنگ دارد. عجالتاً اشاره کنیم به مخالفان نوح که به مردم می‌گفتند: "چندی" به او بنگرید (درباره‌اش دست نگه دارید)؛ و آنان کسانی بودند که بعدها در سیلاب غرق شدند.



در آیات ۵۵ و ۵۶ ذکر اینکه خداوند به کافران با مال و فرزند مدد می‌رساند، محتوای آیه ۳۳ را به ذهن متبادر می‌کند ناظر به کسانی است که خداوند آنها را در زندگی دنیوی مرفه ساخته بود.

استنباط این است که فضایل مذکور در آیات ۵۷-۶۱، در زندگی فرستادگان و پیروان آنها تجلی یافته است و این همان فضایی است که در تابلوی آغازین سوره از آنها ذکر به میان آمده است. تکرار چهارباره عبارت "پروردگارشان" (در آیات ۵۷، ۵۸، ۵۹ و ۶۰) که به خداوند در مقام "پروردگارم" (آیات ۲۶، ۲۹، ۳۹) و "پروردگارت" (در آیه ۵۲) این استنباط را پر رنگ می‌کند. در اینجا، عبارت "پروردگارشان"، عبارات آیه ۵۷ سوره انبیاء را به یاد می‌آورد که خطابش به فرستادگان الهی به ویژه مسیح است: "و آنان که از بیم پروردگارشان هراسانند". عبارات ناظر به اعتقاد به نشانه‌های پروردگارشان در آیه ۵۸، بخش نشانه‌ها در (آیات ۲۲-۱۲) را یادآوری و به نشانه‌های خاص ذکر شده در بخش روایی سوره (آیات ۳۰، ۴۵، ۵۰) اشاراتی می‌کند. همچنین این عبارات تأکید آغازین سوره بر مؤمنان (آیه ۱) و ارجاعات بعدی به مردمی را که به فرستادگان خداوند ایمان نمی‌آورند (آیات ۳۸ و ۴۱)، فرا یاد می‌آورد. بیان، شرک نورزیدن مؤمنان به پروردگارشان (آیه ۵۹)، با موضع توحیدی فرستادگان الهی (آیات ۲۳، ۳۲) همخوانی پیدا می‌کند. عبارت "آنچه را دارند در راه خدا می‌دهند، در حالی که دل‌هایشان ترسان است و می‌دانند که بسوی پروردگارشان باز خواهند گشت" (آیه ۶۰)، اشاره به زکات را در تابلوی ابتدایی سوره (آیه ۴) و اشاره به روز قیامت در شرح آفرینش انسان (آیه ۱۶) را به



ذهن متبادر می‌کند. این آیه همچنین در تضاد است با رفتار آنان که پیام نوح را به سبب ترس از اینکه نوح بر آنان برتری جوید، نپذیرفتند (آیه ۲۴) و با رفتار آنان که پیام فرستاده خدا را که بر آنان فائق آمده بود، نپذیرفتند، چون به روز قیامت اعتقاد نداشتند (آیات ۳۳-۳۷). در نهایت، تأکید بر آنان که در انجام کارهای نیک سبقت می‌جویند (سابقون) (آیه ۶۱)، مبین کلام خداوند است در زمان نوح درباره آن دسته از کافران که عذاب خدا بر آنان پیشی گرفته است (سَبَقَ) (آیه ۲۷) و هشدار مبنی بر اینکه هیچ امتی از اجل خود پیشی نمی‌گیرد (تَسْبِقُ) (آیه ۴۳).

هشدار خداوند مبنی بر اینکه او صاحب کتابی است که به حق سخن می‌گوید و قول خداوند مبنی بر اینکه کافران مورد ستم قرار نخواهند گرفت (آیه ۶۲) در تضاد است با ظلم کافران که در آیات ۲۷، ۲۸، ۴۱ به آن اشاره شده و تهمت دروغزنی که آنان به فرستادگان خدا نسبت می‌دادند (آیات ۲۶، ۳۳، ۳۸، ۳۹، ۴۴، ۴۸).

محور مرکزی سوره علاوه بر اینکه عبارات و مضامینی از بخش اول را به یاد می‌آورد، از مطالبی سخن به میان می‌آورد که در بخش دوم سوره شاخ و برگ گسترده‌تر پیدا می‌کنند. در آیه ۵۴، عبارت "تا چندی" ﴿حَتَّىٰ حِينٍ﴾ از پس عبارت "تا وقتی گرفتار ساختیم" ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا﴾ در آیه ۶۴ ذکر می‌شود. اهمیت شریک قائل نشدن برای خداوند که در آیه ۵۹ به آن اشاره شده، همچنین در آیات ۹۱، ۹۲ و ۱۱۶ طول و تفصیل بیشتر پیدا کرده و در نهایت، این عمل در آیه ۱۱۷ محکوم می‌شود.



بازگشت نهایی به سوی پروردگار برای روز جزا که در آیه ۶۰ به آن اشاره شده ﴿الٰی رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾، به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت، به تفصیل در آیات ۹۹-۱۱۵ بحث می‌شوند. ماجرا با گزارشی کنایی آغاز می‌شود، آن هنگام که شخص کافر پیش از مرگ تقاضا می‌کند خداوند او را به این جهان بازگرداند ﴿رَبِّ اَرْجِعْهُ﴾، پروردگارا مرا بازگردانید. آیه ۹۹) و این ماجرا هنگامی به اوج خود می‌رسد که خداوند از کافران می‌پرسد که آیا شما پنداشتید که دیگر بسوی او باز گردانیده نمی‌شوید ﴿اَلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ " بازگشت شما بسوی ماست " آیه ۱۱۵). ذکر این عبارت در آیه ۶۲ که خداوند هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کند، زمینه را برای آیه ۱۰۳ هموار می‌سازد که در آن از کسانی سخن به میان می‌آید که به خویشتن زیان زدند؛ زیرا کفه میزان اعمالشان سبک است. سرانجام اشاره به کتاب که به حق سخن می‌گوید در آیه ۶۲ مبین بن مایه‌ای پراهمیت است که در آیات ۷۰، ۷۱، ۷۰ و ۱۱۶ نیز تکرار می‌شود.

انسجام آیات ۱۱۸-۶۴ و ارتباط آن با آیات ۵۳-۱

در بخش دوم و تابلوی پایانی سوره، صحنه به وضعیتی میان معاد و بافت مجادله‌ای کنونی تغییر جهت می‌دهد.

اولین بخش مربوط به معاد (آیات ۶۷-۶۴) با بازگشت به گذشته (آیات ۶۷-۶۶) به نقطه اوج خود می‌رسد. این نقطه اوج به تدریج خود را در مجادله‌ای طولانی (آیات ۱۰۰-۶۸) مستحیل کرده که شامل نشانه‌های متضاد (آیات ۸۰-۷۸)، و انتقاد تند (آیات



۸۹-۸۱) می‌شود؛ همچنین این نقطه اوج، میانگفتاری^۱ کوتاه را در بر می‌گیرد که در آن مخاطب، فرستاده خداوند است (آیات ۹۸-۹۳). اشاره مجادله‌ای به مرگ و برزخ (آیات ۱۰۰-۹۹) سرنخی از دومین بخش مربوط به معاد (آیات ۱۱۵-۱۰۱) ارایه می‌دهد. این بخش، شامل بازگشت به گذشته (آیات ۱۱۰-۱۰۹) بوده که مبین آغاز تابلوی پایانی سوره است. این سوره با تأکیدی آهنگین بر توحید الهی (آیه ۱۱۶)، محکومیت مجادله‌ای کسانی که بت‌ها را شریک خدا قرار می‌دهند (آیه ۱۱۷) و رهنمودی (آیه ۱۱۸) به پایان می‌رسد که در آن به فرستاده خداوند امر می‌شود تا تضرع مؤمنان را که در بازگشت به گذشته (آیه ۱۰۹) به آن اشاره شد، تکرار کند.

اگرچه بخش دوم ساختارمندی کم‌رنگ‌تری نسبت به بخش اول دارد، همان کارگزاران بخش اول را دارد: خداوند، فرستادگان، مؤمنان و کافران. تنها تفاوت میان این دو بخش در این است که بخش دوم حول سیره محمد صلی الله علیه و آله و معاصرانش می‌چرخد در حالی که روی سخن بخش اول عموماً با فرستادگان پیشین و کسانی است که رسالت ایشان را دریافت کرده‌اند.

در بخش اول و دوم، خداوند اینگونه معرفی می‌شود: معبود ازلی (آیات ۹۲-۹۱، ۱۱۶-۱۱۷ در مقایسه با آیات ۳۲-۲۳)؛ خالق (آیات ۸۰-۷۸، ۸۴، ۱۱۵ در مقایسه با آیات ۱۴-۱۲)؛ بر همه چیز توانا (آیه ۹۵ در مقایسه با آیه ۱۸)؛ پروردگار آسمان‌های هفتگانه (آیه ۸۶ در مقایسه با آیه ۱۷)؛ روزی دهنده به بندگانش (آیه ۷۲ در مقایسه با آیات ۲۲-



۱۸)؛ فرستنده پیامبری به میان مردم (آیه ۶۹ در مقایسه با آیات ۲۳، ۳۲، ۴۴)؛ وعده به برانگیخته شدن در روز جزا (آیات ۸۲-۸۳ در مقایسه با آیات ۱۶، ۳۵-۳۳)؛ فراهم آوردن نشانه‌ها برای مردم (آیات ۶۶، ۸۰، ۷۸، ۱۰۵ در مقایسه با آیات ۲۱، ۳۰، ۴۵، ۵۰)؛ نازل کننده وحی (آیه ۷۱ در مقایسه با آیات ۲۷، ۴۹)؛ و مجازات کننده خطاکاران (آیات ۶۴، ۷۷، ۷۶ در مقایسه با آیات ۲۷، ۴۱، ۴۴).

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در بخش دوم همانند سایر فرستادگان در بخش اول، خداوند را با عنوان "پروردگار من" (آیه ۱۱۸ در مقایسه با آیات ۲۶، ۲۹، ۳۹) مخاطب قرار می‌دهد و همانند آنان به او نیز برای حرف زدن در موقعیت‌های خاص (آیات ۸۹-۸۴، ۹۴-۹۳، ۹۷، ۱۱۸ در مقایسه با آیات ۲۹-۲۸) و درخواست از مردم هم عصر خود "آیا پرهیزگاری نمی‌کنید؟" (آیه ۸۷ در مقایسه با آیات ۲۳، ۳۲)، عباراتی معین اعطا شده است.

تابلوی ابتدایی سوره با تأیید رستگاری مؤمنان و اشاره به اعمال شخصی آنان آغاز می‌شود (آیات ۹-۱). بخش دوم به سنجش اعمال در روز قیامت اشاره دارد و تأکید می‌کند کسانی که کفه ترازوی آنان سنگین‌تر باشند "ایشان رستگارند" (آیه ۱۰۲)، در حالی که کسانی که کفه ترازوی آنان سبک باشد به خویشتن "زیان زده‌اند" (آیه ۱۰۳). از حیث اشارات پیشین به کافرانی که به قوم خویش می‌گفتند اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید قطعاً "زیان کار" خواهید بود (۳۴)، این امر مسلماً مسخره به نظر می‌آید.



زیان کاران حقیقی "همیشه در جهنم می مانند" (آیه ۱۰۳) درحالی که "مؤمنان در بهشت جاودان می مانند" (آیه ۱۱).

در بخش دوم شخصیت پردازی کافران کاملاً شبیه بخش اول است: آنها "قوم ستمکارند" (آیه ۹۴ القوم الظالمین در مقایسه با آیات ۲۸، ۴۱)؛ آنان متکبران عمل می کنند (آیه ۶۷ مستکبرین در مقایسه با آیه ۴۶ فستکبروا)؛ فرستادگان را انکار می کنند چون جنون دارند (آیه ۷ به جِنَّةً در مقایسه با آیه ۲۵)؛ آنان دروغگویند یا پیامبرانشان را به دروغگویی متهم می کنند (آیه ۹۰ کَذِبُونَ در مقایسه با آیات ۲۶، ۳۳، ۳۹، ۴۴، ۴۸ کَذَّبُوا)؛ آنان آنچه را از پدران خود نیاموخته اند، نفی می کنند (آیه ۶۸ ﴿ءَابَاءَهُمُ الْاَوَّلِينَ﴾ در مقایسه با آیه ۲۴ ﴿ءَابَاؤُنَا الْاَوَّلِينَ﴾؛ آنان، وعده الهی را که می گوید بعد از اینکه خاک و استخوان شدند، برانگیخته خواهند شد، به سخره می گیرند (آیات ۸۳-۸۲ در مقایسه با آیات ۳۶-۳۷). وانگهی، آنان، از نامه اعمال خود رویگردانند (آیه ۷۱، ﴿هُم عَنِ الذِّكْرِ هُمْ مُعْرِضُونَ﴾ در مقایسه با مؤمنان که از بیهوده رویگردانند (آیه ۳، ﴿هُم عَنِ اللِّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾).

سه اپیزود روایی در بخش اول به "بزرگانی" (آیات ۲۴، ۳۳، ۴۶ العُلُوًّا) اشاره دارد که در تشویق به گمراهی مردم نقشی مؤثر ایفا می کنند. این بخش همچنین به وضوح شرایط زمان محمد صلی الله علیه و آله را نیز بازتاب می دهد. با این حال، اشاره‌ای آشکار به بزرگان در بخش دوم نشده است، گرچه اشاره به کسانی که "از نعمت‌های



زندگی برخوردارند" بی‌شک تلمیحی به این بزرگان است (آیه ۶۴ مَترِفِیْهِمْ در مقایسه با آیه العَلَاءُ... أَتَرْفَنَهُمْ). به علاوه، از دیگر سوره‌ها به روشنی در می‌یابیم که مخالفان محمد صلی الله علیه و آله نیز می‌گفتند او نیز بشری است که نیاز به غذا و آب دارد (قرآن ۷:۲۵) و اینکه اگر خداوند می‌خواست فرشتگانی پیام آور نازل می‌کرد (قرآن ۸:۶؛ ۷:۲۵). بنابراین، امری تصادفی نیست که سرچشمه این مخالفت‌ها به همان "بزرگان" در بخش اول برگردد (آیات ۳۳، ۲۴).

بخش دوم به این نکته اشاره دارد که برخی از کافران ادعا می‌کنند خداوند پسری دارد (آیه ۹۱). احتمالاً تجسم این امر از تعالیم مسیحیت ناشی شده است. اگرچه هیچ عبارتی مشابه برای این نکته در بخش اول یافت نمی‌شود؛ اما در بخش اول با آنچه راجع به مسیح گفته شده، زمینه برای این نوع تفکر مهیا می‌شود؛ آنجا که او را پسر مریم می‌خوانند؛ در حالی که به هر دوی آنان به عنوان نشانه‌ای از جانب خداوند اشاره می‌شود و اینکه او یکی از پیامبرانی است که به آنها فرمان خوردن غذاهای پاک و ترس از خداوند در مقام پروردگارشان داده شده است (آیات ۵۱-۵۰).

اشارات متعدد به عقوبت الهی، کلید تکمیل ساختار سوره را فراهم می‌آورد. بخش اول به این نکته اشاره می‌کند که در گذشته خداوند کافران را نابود کرده است. آنان که نوح را تکذیب کردند، در سیلاب غرق شده‌اند (آیه ۲۷)، آنان که پیامبر بعد از نوح را تکذیب کردند، خداوند آنان را چون خاشاکی (غُثَاء) بر آب رها کرده است (آیه ۴۱) و پسماندهای چوب و برگها را طوفان با خود برده است. البته، شیوه‌ای که با آن خداوند امت‌های



سرکش را یکی پس از دیگری نابود کرده، مشخص نشده است (آیه ۴۴). آیا جزئیات چگونگی به هلاکت رسیدن فرعون و بزرگانیش برای ما بیان شده است (آیه ۴۸). در هر حال، از دیگر روایات می‌توان دریافت خداوند آنان را در آب غرق کرده آن هنگام که در تعقیب بنی‌اسرائیل بوده‌اند. بخش دوم اعلام می‌دارد در آخرت خداوند کافرانی را که محمد صلی الله علیه و آله را تکذیب کرده‌اند (آیات ۱۰۴-۱۰۳، ۱۰۸) عذاب خواهد کرد. واضح نیست چطور و تا چه اندازه خداوند تا کنون آنان را عذاب کرده است. تفسیر آیات ۶۴-۶۵ و ۷۷-۷۵ به این نکته می‌پردازد.

آیات ۶۴-۶۵، به مجازاتی که تا کنون صورت گرفته و آن مجازاتی که اکنون در جریان است و یا به آن دسته مجازاتی که در آینده صورت می‌پذیرد، اشاره دارد. در هر حال این آیات بلافاصله بعد از محور مرکزی سوره یعنی آیات ۶۳-۵۴، می‌آیند. حضور واژه بی‌نظیر "غَمْر" در این آیه توجه ما را به وجود این واژه در آیه پیشین (۵۴) جلب می‌کند و ما را ترغیب می‌کند تا آیات ۶۳-۵۵ را به مثابه جمله‌ای معترضه در نظر بگیریم؛ "سپس آنها را در ورطه گمراهیشان تا چندی واگذار... تا آنها را به عذاب گرفتار کنیم... (آیات ۵۴، ۶۴). در نتیجه، این آیات قطعاً به مجازات اخروی در آینده اشاره دارند.

آیات ۷۷-۷۵، آیتی به مراتب پیچیده‌ترند. اگر تفسیر ما از آیات ۶۴-۶۵ دقیق باشد، آیه ۷۵ نیز به عقوبت اخروی اشاره می‌کند. آنچه بدان اشاره شده این است که هم عصران محمد صلی الله علیه و آله تا بدان اندازه سرکش و سرسخت شده بودند که



حتی اگر در آینده خداوند بخواهد آنان را از جهنم خلاص کند، هنوز هم از ایشان پیروی نکنند. با وجود این، به نظر می‌رسد آیه ۷۶ به مجازاتی متفاوت اشاره دارد؛ مجازاتی که در گذشته تعیین شده است. به علاوه، حقیقتی که عبارت "و لَقَدْ" که فعل اول شخص جمع را در پی دارد، معرف آن است که این عبارت از اهمیت بالایی برخوردار است؛ همچنانکه پیامد شایسته اعمال الهی که در بخش اول به آنها اشاره شد (آیات ۱۲، ۱۷، ۲۳، ۴۹). واضح‌ترین نمونه این مجازات‌ها شکست مکیان در جنگ بدر است. مساله‌ای که رازی نیز بدان اشاره کرده، هرچند حاجت است این مطلب را از دیدگاه تاریخ نگاری مدنی نیز پی‌گیری کنیم. برای جامعه نوپای مسلمانان پیروزی در جنگ بدر هم عرض بود با غرق شدن فرعون و نظامیانش در زمان موسی. در حالی که هر دوی این وقایع در دریای سرخ رخ داده و هر دوی آنها مجازات خداوند را برای حاکمان مستبد و رهایی مؤمنان در پی آورده است.

فقط آیه ۷۷ باقی مانده است. این آیه به ذکر این نکته می‌پردازد که خداوند دری از عذاب دردناک به روی آنان می‌گشاید، به ناگاه ایشان در آن حال نا امید می‌شوند ﴿فِيهِ مُبْلِسُونَ﴾ این عبارت ممکن است به آنچه پیش از جنگ رخ داده اشاره کند و یا در آینده رخ دهد و یا مجازاتی به مراتب دلخراش‌تر باشد. رازی دو امر متصل برای این آیه پیشنهاد می‌کند: یکی تجربیات کنونی آنان از خشکسالی است که بسیار شدیدتر از هر قتل‌عام و گرفتاری دیگری است و دیگری، عذاب اخروی آنان در آتش جهنم است. در تکمیل احتمال دوم، می‌توان به سوره ۴۳ آیه ۷۵ استناد کرد که یکی دیگر از



نمونه‌های عبارت فیه مُبْلِسون است و یا به سوره روم آیه ۱۲ استناد کرد که می‌فرماید "و روزی که قیامت برپا شود مجرمان نومید می‌گردند" ﴿يُبْلِسُوا الْمُجْرِمُونَ﴾ از طرف دیگر، سوره انعام آیه ۴۶ به گشودن درها در گذشته از جانب خداوند اشاره دارد و در سوره روم آیه ۴۹، خداوند از ناامیدی (مُبْلِسين) بندگانش پیش از نزول باران بر آنان سخن به میان می‌آورد. اگر فرض کنیم که در حقیقت آیات پایانی این سوره در زمان خشکسالی نازل شده، برخی مسائل مورد بحث قرار می‌گیرند که عبارتند از تأکید بر نزول باران به خواست خدا از آسمان برای تأمین مواد غذایی و نوشیدنی برای بندگان خود (آیات ۲۱-۱۸)؛ اشاره هولناک به این حقیقت که اگرچه خداوند آب را در زمین جای می‌دهد؛ اما او برای از بین بردن آن مسلماً تواناست (آیه ۱۸)؛ تأکید بر اینکه پیامبران نیز همچون دیگر انسان‌ها نیاز به خوردن و آشامیدن دارند (آیه ۳۳)؛ اشاره به ایجاد جوی آب زلال برای مریم و پسرش (آیه ۵۰)؛ دستور خداوند به پیامبرانش برای خوردن و آشامیدن غذاهای پاک (آیه ۵۱). به علاوه، در اشاره به مجازات اقوام گذشته، کنایه‌ای در خور به چشم می‌خورد، آنانکه به واسطه نابودی با سیل شناخته شده‌اند (آیات ۲۷، ۴۸) و یا کسانی که رودخانه آنان را چون پسمانده‌هایی شسته و با خود می‌برد (آیه ۴۱). در نهایت، اشاره به "ورطه گمراهی" در دو آیه پایانی محور مرکزی سوره مبین کنایه‌ای دیگر است.



پی نوشت ها:

۱. ترجمه این مقاله به معنای پذیرش محتوای مقاله از جانب مترجم نخواهد بود چه مترجم سعی کرده در پاره‌ای موارد، نکاتی را تذکر دهد. ترجمه این گونه مقاله‌ها می‌تواند دست کم، فتح بابی باشد برای پرداختن به مسائل دیگر و نقد و بررسی محتوایی اینگونه مطالب که بر قرآن پژوهان مسلمان است در این خصوص دست به قلم ببرند. مترجم
۲. مشخصات مقاله به شرح زیر است:

Robinson, Neal (2000). The Structure and Interpretation of *Surat al-Mu'minin*. Journal of Quranic Studies, Vol. 2:1.

۳. قَدَرَهُمْ فِي عَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينَ (۵۴) پس آنها را در ورطه گمراهی‌شان تا چندی واگذار (۵۴)
۴. وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۷۸) و اوست آن کس که برای شما گوش و چشم و دل پدید آورد چه اندک سپاسگزارید (۷۸)

5. signs controversy

6. chiasmic structure

مراعات نظیر یا آرایش گزاره‌ها به ترتیب ABA'B' از حیث زیبایی شناختی بر دل و جان می‌نشیند. در مراعات نظیر که ابتدا گزاره A در کنار B می‌آید و سپس، A با A' و B با B' مزدوج می‌شود، صحنه‌ای حرکتی ایجاد می‌شود به این معنا که A از روی B می‌پرد تا در کنار A' و B نیز از روی A' می‌پرد تا در کنار B سکنی گیرد. در بستار یا مراعات نظیر معکوس با ساختار ABB'A' همین حرکت پرشی گرچه در مقیاسی بزرگ‌تر، دیده می‌شود به این ترتیب که A از روی B و B' می‌پرد تا در کنار A' بنشیند و در عین حال، B را نیز برای رسیدن به B' به زحمت می‌اندازد. در واقع، همنشینی B و B' لحظه‌نمایشی گیرایی ایجاد می‌کند (میر، برخی فنون و صنایع در قرآن (۲۰۰۸).

7. inclusio

8. interlude

